

بازشناسی الگوی «معلم الهام‌بخش» مبتنی بر احوالات سه معلم برجسته ایران معاصر

محمدحسین نایینی، محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری

فاطمه رمضانی*

محمدحسین حیدری**

رضاعلی نوروزی***

چکیده

در پژوهش حاضر، برای دستیابی به الگوی شخصیتی و رفتاری «معلمان الهام‌بخش» در حوزه تربیت اسلامی، براساس چهار مؤلفه اولیه یعنی «وجه علمی، شخصیت اخلاقی، نفوذ کلام و شاگردپروری»، جستجویی در احوالات شماری از مربیان حوزوی ایران در عصر معاصر صورت پذیرفت که در نهایت محمدحسین نایینی، محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری، به جهت شواهدی که حکایت از وجود مؤلفه های فوق در ایشان داشت، مورد گزینش نهایی قرار گرفتند. در ادامه، منابع مکتوب درباره شخصیت این معلمان مطالعه شد و با بهره گیری از روش تحلیل مضمون، ۶۸ خرده مضمون بازیابی شد. در گام بعدی، خرده مضمون ها در قالب دوازده مضمون سازمان دهنده و سه مضمون فراگیر «سلوک فردی، سلوک اجتماعی و سلوک تعلیمی» دسته بندی شد.

یافته های این پژوهش شامل خصوصیات و ویژگی های ارائه شده در قالب شبکه مضامین، الگویی از سلوک و منش «معلم الهام‌بخش» ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه ای معلمی، معلم الهام‌بخش، محمدحسین نایینی، محمدحسین طباطبایی، مرتضی مطهری.

مقدمه

معلمی و رای نام‌های متنوعی که در فرهنگ‌های مختلف داشته، همواره مکانت و مرتبتی محترم و گرانمایه بوده؛ تا جایی که فیلسوفان معنی‌گرا «در کمک به رشد و تکامل شخصیت، معلم را همکار خداوند» دانسته‌اند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۸۴، به نقل از: باتلر، ۱۹۶۸) و در آموزه‌های اسلامی، منصب‌داران این جایگاه جلیل‌القدر، آراسته به شأنی از شئون الهی^۱ و ادامه‌دهنده طریق پیامبران^۲ معرفی شده‌اند. این جایگاه رفیع برآمده از این حقیقت است که بدون صححنه‌گردانی معلمان در فرایند تعلیم و تربیت، غالب مردمان را نه توان و انگیزه رشد و تعالی است، نه جوامع و فرهنگ‌ها را قدرت استواری و شکوفایی.

در قرون و دهه‌های گذشته در ایران اسلامی، بسیاری از معلمان با وقوف به این جایگاه، پی‌جویی توأمان تعلیم و تربیت و فراتر از آن شاگردپروری را مد نظر داشتند؛^۳ اما در دهه‌های گذشته خصوصاً در سالیان اخیر، اندک‌اندک از وزن تربیتی فعالیت‌های معلمان کاسته شده و دغدغه تأثیرگذاری عمیق بر متعلمان و نیز شاگردپروری در افق نگاه ایشان رنگ باخته و تمرکز بر انتقال دانسته‌ها به شاگردان قرار گرفته و به‌واقع تعلیم و تربیت رسمی به نظام انباشت ذهن‌ها از معلومات و علم‌سپاری تغییر ماهیت داده است.^۴

هرچند برای نقص و آسیب مذکور که گریبان‌گیر نظام تعلیم و تربیت کشور شده، بتوان علل و دلایلی برشمرد، قدر متیقن راهکارها برای حل معضل پیش‌آمده و بهبود شرایط مذکور، بازنگری در نقش، جایگاه و وظایف معلمان این مرزوبوم است. بی‌تردید یکی از بایسته‌های مهم بازنگری مزبور گام برداشتن در مسیر ارائه الگویی است که مبتنی بر نقش واقعی و مورد انتظار از معلمان در ایران اسلامی باشد. با این وصف، پژوهش حاضر در پی آن است که با برداشتن گامی هرچند کوچک در این مسیر، چراغ راهی شود برای آنانی که دل در گرو تعالی تعلیم و تربیت دارند.

۱. اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (علق، ۱-۵).

۲. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه، ۲).

۳. در این باره مخبر دزفولی می‌گوید: در تمدن اسلامی، استادان به شاگردان خود اهمیت می‌دادند و افتخار می‌کردند که شاگردانشان از آنها بهتر شده‌اند. این یعنی شاگردپروری. ما در شاگردپروری دارای پیشینه تاریخی بوده‌ایم؛ اما این امر در سده‌های اخیر مورد کم‌توجهی قرار گرفته است (سبحانی‌نژاد و رسولی، ۱۳۸۸، ص ۸۱، به نقل از: مخبر دزفولی).

۴. در یک نمونه نقد شرایط موجود، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش می‌گوید: «تمام هم‌وغم والدین و معلمان فقط مسائل آموزشی است و عملاً تربیت‌محوری از دستور کار خارج شده است. اگر تربیت دغدغه مدارس باشد، مدیر، والدین و ادارات و ستادها مطالبه‌گر آن می‌شوند؛ درحالی‌که دغدغه همه فقط صرف مسائل آموزشی است» (<http://www.farsnews.com/13960420001342>).

بیان مسئله

بی‌تردید تمام معلمان در انتقال و ماندگاری میراث علمی و فرهنگی، بسط فضایل انسانی و رشد و تعالی و در یک کلام تعلیم و تربیت مردمان سهم و توفیقی یکسان ندارند و از نظر میزان اعتقاد و وقوف به ارزشمندی جایگاه معلمی و نیز میزان همت و توانمندی‌شان، متفاوت با یکدیگرند. دسته‌بندی زیر بر خاسته از این ناهمگونی و تفاوت معلمان است:

۱. معلم‌نماها: تعداد معدودی از معلمان بدون توجه به ارزشمندی و تأثیرگذاری جایگاهی که در آن قرار گرفته‌اند، حد و مرزهای اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای معلمی را زیر پا گذاشته و خاطرات و تأثیرات ناخوشایندی در ذهن و جان شاگردانشان بر جا نهاده‌اند و بدین واسطه نه تنها در مسیر رشد، تعالی و تربیت افراد تحت تعلیم خود حرکت نکرده، بلکه به مثابه مانعی در این مسیر عمل کرده‌اند؛

۲. معلمان عادی: گروهی دیگر از معلمان غایت فعالیت خویش را بر علم‌سپاری بر شاگردان قرار داده، تمام توان خویش را بر این بخش از وظیفه متمرکز کرده‌اند. این گروه با وجود پرداختن به وظایف آموزشی، در تأثیرگذاری و نفوذ تربیتی در متریبان و شاگردپروری دچار غفلت، ناآگاهی، ضعف یا عدم توفیق‌اند. بدین سبب یاد و خاطره ایشان و دامنه نفوذشان در زندگی شاگردان چندان ماندگار نیست؛ زیرا ایشان صرفاً واسطه انتقال اطلاعات علمی‌اند، نه سازندگان شاکله وجودی شاگردان.

۳. معلمان الهام‌بخش: ^۱ برخی معلمان اخلاق‌مدار و صاحب علم هستند که افق خویش را از سطح انتقال معلومات و داده‌های علمی فراتر قرار داده، با صید قلب‌ها و فرصت‌ها شاگردان را از

۱. در لغت‌نامه دهخدا، الهام بخشیدن به معنی «در دل افکندن نیکی و آموزانیدن» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۸۱۰). ضمن اینکه اگر صفت الهام‌بخشی در کنار واژه معلم قرار گیرد، تنها سابقه اشاره به این ترکیب وصفی در کتاب تاریخ اندیشه‌های تربیتی مایر است. او در تعریف معلم الهام‌بخش آورده است: «معلمان وقتی می‌توانند الهام‌بخش باشند که مسئولیت‌ها و موقعیت‌های خود را درک کنند. آنها اگر وظیفه خود را کار پرزحمتی بدانند، چون متخصصانی هستند که صرفاً از دانش نگهبانی می‌کنند. الهام‌بخش بودن در تعلیم و تربیت به معنای آن است که آینده را پیش‌بینی کنیم، برای مقصد عالی‌تری که دارای امکانات نامحدود است، زندگی نماییم و همواره نگهبان پیشرفت و خادم بشریت باشیم» (مایر، ۱۳۷۴، ص ۵۴-۵۵). او در صفحات قبل که مقدمه‌ای است بر به کارگیری این واژه، چنین می‌نویسد: «بعضی از معلمان نسبت به حرفه خود شور و شوق کافی ندارند. اینان پیرو عادت روزمره خویش‌اند. این‌گونه معلمان با دید محدودی که از فرصت‌های مناسب معلمی دارند، هیچ‌گاه نمی‌توانند در زندگی دانش‌آموزان خود به‌عنوان یک یادگار فراموش‌ناشدنی باقی بمانند. معلمی که باایمان درس می‌دهد، در حرفه خود جذبه عشق را احساس می‌کند. عاشق در فراترین مرحله عشق، خود و امیال و آرزوهایش را فراموش می‌کند. چنین عشقی را معمولاً معلمی باایمان و فداکار درک می‌کند که برای هدفی عالی‌تر زندگی می‌کند و کلاس درس را مظهر تجلی حیات می‌داند. او تربیت را به منزله تلاش دائمی بشر می‌بیند که به وسیله آن می‌خواهد بر محدودیت‌های خود فائق آید و به جای اینکه فریفته لذات زمان حال شود، با آرمان‌ها زندگی می‌کند. معلم فداکار تربیت را نفیس‌ترین سرمایه بشری می‌شمارد؛ زیرا تربیت نماینده امکانات آینده است» (مایر، ۱۳۷۴، ص ۵۳). با نظر به دو دلیل فوق، استفاده از صفت الهام‌بخش برای این گروه از معلمان معقول به نظر می‌رسد.

پی خود برده و با گذاشتن تأثیرات عمیق در وجود ایشان شأنی پیامبرگونه یافته‌اند. این معلمان با شاگردپروری و برجای گذاشتن وارثانی ارجمند و بافضیلت برای خود در واقع بعد از مرگ نیز به زندگی معنوی خویش ادامه داده و در زندگی شاگردانشان به‌عنوان یادگاری فراموش‌نشدنی باقی مانده‌اند.

آنچه این دسته‌بندی به دست می‌دهد، این است که معلمان الهام‌بخش با تمرکز بر پرورش و ایجاد تأثیرات پایدار تربیتی در شاگردان و نیز شاگردپروری در بالاترین مرتبه از اخلاق حرفه‌ای معلمی و معلم‌نماها به سبب نادیده انگاشتن مرزهای اخلاق حرفه‌ای و گذاشتن تأثیرات منفی در شاگردان در پایین‌ترین سطح قرار می‌گیرند. معلمان عادی نیز با توجه به تمرکز بر بخشی از وظیفه حرفه‌ای خویش یعنی صرف تعلیم و علم‌سپاری، در میانه این پیوستار قرار می‌گیرند.

گفتنی است دو کرانه پیوستار فوق یعنی معلم‌نماها و معلمان الهام‌بخش مستقیماً مورد بحث و بررسی محققان نبوده‌اند، گرچه معلمان عادی و ویژگی‌های ایشان، با عناوین و القابی چون اثربخش،^۱ محل پژوهش‌های مختلفی در داخل و خارج از ایران قرار گرفته است که از آن جمله و برای نمونه می‌توان به تحقیقات وثوقی و قمری (۱۳۸۳)، حائری‌زاده و محمدحسین (۱۳۸۶)، رضانی و درتاج (۱۳۸۸)، سبحانی‌نژاد و زمانی‌منش (۱۳۹۱)، عبداللهی، دادجوی و یوسلیانی (۱۳۹۳)، دانیلسون^۲ (۱۹۹۶)، پارت و کمبل^۳ (۱۹۹۹)، کری‌کیدس، کمبل و کریستوفایدو^۴ (۲۰۰۲)، مینگویی و چینگ^۵ (۲۰۱۳) و آریکان و کانر^۶ (۲۰۱۳) اشاره کرد. نداشتن تمرکز بر بحث معلم‌نماها ممکن است بر این توجیه استوار باشد که ضرورتی برای پرداختن به ویژگی‌های معلم‌نماها به جهت الگوپردازی وجود ندارد، هرچند با نظر به قول معروف و نکته‌سنجانه «ادب از که آموختی...» نیز می‌توان به این مقوله و موضوع ورود پژوهشی داشت.

اما کمتر پژوهشی به ویژگی معلمانانی که در پژوهش پیش رو عنوان الهام‌بخش یافته‌اند، پرداخته است. دلیل این موضوع شاید آن باشد که تعریف و تشخیص معلمان الهام‌بخش و خروجی کار و فعالیت ایشان سهل و سریع نیست؛ به عبارت دیگر تشخیص معلمان الهام‌بخش از سایر همکاران، به جهت زمان‌بر بودن به بار آمدن و به ثمر نشستن شاگردان شاخص و شایسته و نمایان شدن نتیجه

۱. در تحقیقات تربیتی معلمانانی را شامل می‌شود که اهداف عمدتاً آموزشی را به نحو مطلوب تحقق می‌بخشند (اندرسون، ۱۳۸۶، ج ۵).

2. Danielson.

3. Peart & Campbell.

4. Kyriakides, Campbell & Christofidou.

5. Minghui Gao & Qinghua Liu.

6. Arikan & Caner.

الهام‌بخشی یا همان تأثیرگذاری عمیق ایشان در شاگردان، صعب و دشوار است. حال با توجه به محدودیت فوق در شناسایی و پرداختن به ویژگی برترین گروه از معلمان یعنی معلمان الهام‌بخش، معقول می‌نماید که با نگاهی به گذشته، در احوالات معلمانی که آزمون خویش را در عرصه تربیت و تأثیرگذاری عمیق بر شاگردان و نیز شاگردپروری پس داده و به توفیقاتی نایل گشته‌اند، کاوش و پژوهش درگیرد.

از سوی دیگر باید پذیرفت در سالیان اخیر، با توجه به رویه ناصواب انباشت ذهن‌ها از معلومات و اولویت یافتن علم‌سپاری و کم‌توجهی به ساحت‌های مختلف تربیت، بسیاری از معلمان در بهترین حالت، به عادی و اثربخش^۱ بودن رضایت داده و کمتر به تأثیرگذاری عمیق در شاگردان و نیز شاگردپروری اندیشیده‌اند. جالب آنکه در این میان تفاوتی میان معلمان شاغل در دانشگاه، مدارس و حتی حوزه‌های علمیه نیست.

با این اوصاف، این پژوهش در پی آن است با تمرکز بر شخصیت و خصوصیات معلمان الهام‌بخش، به الگوپردازی از برخی آزمون‌پس‌دادگان این گروه به جهت بهره‌برداری تمامی دغدغه‌مندان عرصه تعلیم و تربیت پردازد و بدین واسطه نیز دست‌اندرکاران تربیتی در مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه را به بازنگری در داشته‌ها، توان و وظایف اخلاقی-تربیتی معلمان فراخواند.

البته این نکته را نیز باید متذکر شد که محققان در پژوهش دیگری، معلمان الهام‌بخش دانشگاهی را مطمح نظر قرار داده‌اند؛ اما در پژوهش حاضر، تمرکز بر معلمان و مربیان حوزوی ایران معاصر بوده است. گزینش معلمان الهام‌بخش از میان این قشر و گروه، با توجه به چهار مولفه «وجه علمی، شخصیت اخلاقی، شاگردپروری، نفوذ کلام و تأثیر ماندگار در شاگردان» بوده و بر پایه وجود مستندات مکتوب، درنهایت از میان ۳۱ شخصیت مورد بررسی، آقایان محمدحسین نایینی، محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری به‌عنوان معلمان الهام‌بخش شناسایی شده‌اند.

پرداختن به ویژگی‌های شخصیتی سه معلم مذکور و ارائه الگو بر پایه خصوصیات به‌دست‌آمده از ایشان، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و بر بستر سؤالات پیش رو هدف پژوهش حاضر خواهد بود: هریک از معلمان گزینش شده چه ویژگی‌هایی دارند؟ و براساس ویژگی‌های مستخرج از احوالات این معلمان چه الگویی می‌توان ارائه داد؟

۱. در تحقیقات تربیتی، معلمانی را شامل می‌شود که اهداف عمدتاً آموزشی را به نحو مطلوب تحقق می‌بخشند (اندرسون، ۱۳۸۶، ج ۵).

روش‌شناسی پژوهش

برای شناسایی و تشریح چرایی و چیستی یک پدیده می‌توان از تحلیل مضمون و برای تشریح چگونگی می‌توان از شبکه مضامین^۱ استفاده کرد. تحلیل مضمون به دنبال استخراج مضامین برجسته یک متن در سطوح مختلف است. شبکه مضامین نیز به دنبال تسهیل ساختاردهی و دسترسی به این مضمون‌هاست (شیخ‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۵).

شبکه مضمون‌ها براساس رویه‌ای مشخص، مضمون‌های ذیل را نظام‌مند می‌کند: ۱. مضمون‌های اصلی (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)؛ ۲. مضمون‌های سازمان‌دهنده (مقولات به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌های اصلی)؛ ۳. مضمون‌های فراگیر (مضمون‌های عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل). سپس این مضمون‌ها به صورت نقشه شبکه‌مانند (وب) رسم می‌شوند که در آن مضمون‌های برجسته هر یک از سه سطح همراه با روابط آنها نشان داده می‌شود (همان).

فرایند گام‌به‌گام اقدامات در تحلیل مضمون و شبکه مضامین را می‌توان به این ترتیب برشمرد: ۱. آشنا شدن با متن از طریق مطالعه و مکتوب کردن داده‌ها؛ ۲. ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری؛ ۳. جستجو و شناخت مضامین از طریق تطبیق دادن کدها با قالب مضامین، استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاشته متن و پالایش و بازبینی مضامین؛ ۴. ترسیم شبکه مضامین براساس روندی چون بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج، مرتب کردن مضامین، انتخاب مضامین اصلی، سازمان‌دهنده و فراگیر و ترسیم نقشه مضامین؛ ۵. تحلیل شبکه مضامین از طریق تعریف و نامگذاری مضامین و توصیف و توضیح شبکه مضامین؛ ۶. تدوین گزارش براساس گام‌هایی چون تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن، استخراج نکات جالب، مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و نوشتن گزارش (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸).

مؤلفه‌های گزینش معلمان الهام‌بخش

به جهت گزینش معلمان الهام‌بخش از میان سایر هم‌صنفان، چهار مؤلفه وجهه علمی، شخصیت اخلاقی، شاگردپروری و نفوذ کلام و تأثیر ماندگار در شاگردان مورد توجه واقع شد. «وجهه علمی» با سنجه کرسی تدریس و آثار قلمی، «شخصیت اخلاقی» با شهرت به خلیقات حسنه و اشتها نداشتن به ویژگی‌هایی که بر اعتبار اخلاقی خدشه وارد کند، «شاگردپروری» با تربیت شاگردان

1. Thematic networks.

برجسته و در نهایت مولفه «نفوذ کلام و تأثیر ماندگار در شاگردان» با استناد به گفته‌ها و بیانات متعلمان ایشان مورد ارزیابی قرار گرفت که در نهایت از میان ۳۱ شخصیت حوزوی مورد بررسی، آقایان محمدحسین نایینی، محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری گزینش شدند. مستندات وجود مؤلفه‌های فوق در شخصیت‌های مذکور در جدول زیر مورد اشاره، تجمیع و تنظیم قرار گرفته است.

جدول ۱: جدول مستندات مؤلفه‌های گزینش معلمان الهام‌بخش

مؤلفه	معلم
	محمدحسین طباطبایی
وجه علمی	تدریس و تألیف اثری چون تفسیر المیزان، بداية الحکمه، نهاية الحکمه، اصول فلسفه و روش رئالیسم، حاشیه بر کفایه، شیعه در اسلام، مجموعه مذاکرات با پروفسور هانری کرین، خلاصه تالیف اسلام و روابط اجتماعی در اسلام (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۶۸-۸۶۹).
شاگردان	از میان شاگردان علامه، می‌توان به این نامداران اشاره کرد: مرتضی مطهری، محمدحسینی بهشتی، امام موسی صدر، ناصر مکارم شیرازی، محمد مفتاح، عباس ایزدی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، عزالدین زنجانی، محمدتقی مصباح یزدی، ابراهیم امینی، یحیی انصاری، جلال‌الدین آشتیانی، حسین نوری همدانی، حسن حسن‌زاده آملی، مهدی روحانی، علی احمدی میانجی، عبدالله جوادی آملی و غلامحسین ابراهیمی دینانی (همان، ص ۸۷۰).
نفوذ کلام و تأثیر ماندگار	احمدی، شاگرد علامه، می‌گوید: «تأثیری که علامه بر روح ما و بر تمام زندگی علمی و اجتماعی شاگردانش گذاشت، بسیار بود» (شمس، ۱۳۸۷، ص ۲۵۸). دینانی نیز می‌گوید: «حالت تردیدی برایم در مورد تحصیلات پیدا شد تا اینکه به درس علامه وارد شدم. از همان روز اول که در درس ایشان نشستم، دوباره شوق جدیدی در من ایجاد شد. هر روزی که می‌گذشت، علاقه‌ام به علامه بیشتر می‌شد و درس ایشان چنان جاذبه‌ای در من ایجاد کرد که هرگونه تردیدی را که برای من حاصل شده بود، از میان برد» (اردشیری لاجیمی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵).
شخصیت اخلاقی	تهرانی درباره علامه می‌نویسد: «مرد ساده، بزرگوار، خلیق، باحیا و بی‌آلایش بودند» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶، ص ۱۵). یکی دیگر از شاگردان علامه نیز می‌گوید: «علامه کتابی دارد به نام سنن النبی. ما وقتی رفتار و کردار ایشان را می‌دیدیم، بر ما معلوم می‌شد که سنن النبی را در رفتار و کردار خود پیاده کرده است» (اردشیری لاجیمی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).
	مرتضی مطهری
وجه علمی	تدریس و تألیف بیش از پنجاه اثر که برخی از آنها عبارت‌اند از: مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، آشنایی با قرآن، اسلام و مقتضیات زمان، انسان کامل، تعلیم و تربیت در اسلام، توحید، نبوت، معاد، حماسه حسینی، خدمات متقابل اسلام و ایران، عدل الهی و داستان راستان (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۰۵).
شاگردان	بعضی از شاگردان شهید مطهری عبارت‌اند از: محمدجواد باهنر، فضل‌الله محلاتی، عبدالحمید دیالمه، علی قدوسی، سیدشمس‌الدین حسینی نایینی، نورالله طباطبایی‌نژاد، سیف‌الله عبدالکریمی، ماشاءالله فهامی، محمدباقر حجتی، غلامعلی حدادعادل و رضا داوری اردکانی (خردمند، ۱۳۸۰، ص ۲۰۳).
نفوذ کلام و تأثیر ماندگار	محمدباقر حجتی درباره استاد خویش می‌آورد: «طلایی که محل اقامت آنها تا مدرسه مروی بسیار دور بود، رنج راه را بر خود هموار می‌کردند تا در محضر درس استاد حاضر شوند» (سیدناصری و ستوده، ۱۳۷۷، ص ۲۴۴). «در مجلس درس استاد، وسیله گرمایشی وجود نداشت. ما در حین درس، آن‌گاه که گوش به سخن استاد سپرده بودیم، سرما را احساس نمی‌کردیم و تازه پس از آنکه درس پایان می‌یافت، احساس می‌کردیم تا چه اندازه هوا سرد و غیرقابل تحمل

	<p>است» (همان، ص ۲۴۶). حداد عادل می‌گوید: «حقیقت این است که پای درس هر کس حاضر می‌شدم، حلاوت درس استاد مطهری را احساس نمی‌کردم. درس ایشان برای من به اندازه‌ای شیرین و مؤثر بود که درس دیگران هنوز در ذائقه من تأثیر نمی‌کند» (همان، ص ۲۷۴). موگهی نیز می‌نویسد: «درس استاد به گونه‌ای بود که شاگرد وقتی پای درشش می‌نشست، تمامی وجود استاد را می‌پذیرفت» (موگهی، ۱۳۸۴، ص ۴۹).</p>
<p>شخصیت اخلاقی</p>	<p>مصباح یزدی می‌نویسد: «مطهری دانشمندی والا بود که در اوج وارستگی و وابستگی به حق تعالی و آراستگی به زیور مکارم و فضایل اخلاقی سیر می‌کرد و گوشه‌ای حق‌نیوش، دیده‌ای حقیقت‌بین و دلی پالوده از غفلت و ریا داشت» (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵).</p>
<p>معلم مؤلفه</p>	<p>محمدحسین نایینی</p>
<p>وجهه علمی</p>	<p>تدریس و نگارش آثار چون حاشیه بر عروة الوثقی، وسیلة النجاة، تنبیه الامه و تنزیه المله، رساله در خلل نماز، رساله در لباس مشکوک، رساله در نفی ضرر، رساله در باب تزاحم، رساله در شرط متأخر، رساله در تعبدی و توصلی، رساله‌ای در ترتب و رساله‌ای در معانی حرفیه (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۴۵۲).</p>
<p>شاگردان</p>	<p>برجسته‌ترین شاگردان نایینی عبارت‌اند از: موسی خوانساری نجفی، محمدعلی کاظمینی خراسانی، محمدتقی آملی، ابوالقاسم خوبی، مرتضی لنگرودی، جمال‌الدین گلپایگانی، صدرالدین جزایری، حسین حلی، ابراهیم کرباسی، محمدباقر زنجانی، حسن بجنوردی و محمدهادی میلانی (همان، ص ۴۵۰).</p>
<p>نفوذ کلام و تأثیر ماندگار</p>	<p>یکی از شاگردان علامه نایینی نقل می‌کند: «هر روز در منزل یکی از دوستان جلسه‌ای برقرار می‌شد. در یکی از روزها، فصلی از کتاب آیت‌الله نایینی را خواندیم. یکی از دوستان با ابتهاج زیاد گفت: آقا، ما چندین سال درس آیت‌الله نایینی شرکت کردیم و شیرینی لذت آن درس را به یاد داریم. امشب با خواندن این مقدار کتاب بوی آن درس پربرکت استشمام می‌گردد» (علی‌لو، ۱۳۷۴، ص ۱۱۵). حسینی همدانی از سید مددی چنین نقل می‌کند: «شبی در کنار مقبره آیت‌الله نایینی بودیم. آقای آمد آنجا و مسئله‌ای را مطرح کرد. مقداری پیرامون مسئله مورد بحث، گفتگو شد. کم‌کم متوجه شدیم فرد مذکور بنای جدال دارد. اینجا ما ساکت شدیم. او مقداری گفت. وقتی سکوت ما را دید، بلند شد و رفت. سپس آقای مددی افزود: ما تحت تأثیر و تربیت آیت‌الله نایینی بوده‌ایم و هیچ‌گاه در جدال وارد نمی‌شویم» (همان، ص ۶۸).</p>
<p>شخصیت اخلاقی</p>	<p>«نایینی، با همه آوازه و بزرگی و شخصیتی که داشت، فروتن و خوش‌برخورد و با اخلاق و سجایای برجسته بود. کسی که با ایشان برخورد می‌کرد، چنان مجذوب ایشان می‌شد و اخلاق و سجایای فاضله ایشان چنان طرف را به خود جلب و جذب می‌کرد که از این دیدار سیر نمی‌شد» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۹۶). در همین باره محمدحسین کاشف‌الغطا می‌فرماید: «میرزای نایینی را من در آن روزگار با اخلاق فاضله و همت والا شناختم» (نایینی از نگاه دانشوران، ۱۳۷۵، ب).</p>

یافته‌ها

پیش از پرداختن به جدول ویژگی و مضامین آقایان نایینی، طباطبایی و مطهری، گفتنی است خصوصیات یافته‌شده برای علامه محمدحسین طباطبایی حاصل مطالعه و پژوهش در کتب پیش روست: یادها و یادگارها از علی تاجدینی (منبع ۱)؛ یادنامه مفسر کبیر استاد علامه طباطبایی اثر جمعی از نویسندگان (منبع ۲)؛ سیره علمی و عملی علامه سیدمحمدحسین طباطبایی به قلم حسن اردشیری لاجیمی (منبع ۳)؛ مرزبان وحی و خرد حاصل پژوهشی از دفتر تبلیغات اسلامی (منبع ۴)؛ علامه طباطبایی: میزان معرفت به قلم احمد لقمانی (منبع ۵)؛ تماشای فرزادگی و

فروزندگی اثر علامه مصباح یزدی (منبع ۶)؛ مهر تابان از محمدحسین حسینی طهرانی (منبع ۷)؛ سیری در سیره علمی و عملی علامه طباطبایی از نگاه فرزندان به قلم مرادعلی شمس (منبع ۸)؛ کتاب هزارویک کلمه اثر حسن حسن‌زاده آملی (منبع ۹)؛ شمس‌الوحي تبریزی اثر عبدالله جوادی آملی (منبع ۱۰)؛ کتاب عارفان مسلمان و شریعت اسلام به قلم علی آقائوری (منبع ۱۱)؛ مقاله «زندگی‌نامه علامه طباطبایی» به قلم عبدالباقی طباطبایی (منبع ۱۲).

برای یافتن خصوصیات شهید مرتضی مطهری نیز کتب ذیل مورد مذاقه قرار گرفت: پاره‌ای از خورشید: گفته‌ها و ناگفته‌هایی از زندگی استاد مطهری اثری از حمیدرضا سیدناصری و امیررضا ستوده (منبع ۱۳)؛ مطهری: مطهر اندیشه‌ها به قلم محمدحسین واتقی‌راد (منبع ۱۴)؛ عالم جاودان: استاد شهید مرتضی مطهری منتشر شده به همت مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (منبع ۱۵)؛ گلشن ابرار اثر جمعی از نویسندگان (منبع ۱۶)؛ رمز موفقیت استاد مطهری به قلم علی باقی نصرآبادی و حمید نگارش (منبع ۱۷)؛ شهید مطهری: مرزبان بیدار به قلم محمد خردمند (منبع ۱۸)؛ آفتاب مطهر اثر محمدتقی مصباح یزدی (منبع ۱۹)؛ سیمای فرزندان از رضا مختاری (منبع ۲۰). همچنین مقالاتی در این باره مطالعه شد: «جلوه‌های معلمی استاد شهید مطهری از زبان شاگرد او حجت‌الاسلام فاکر» در مجله معارف (منبع ۲۱)؛ «جلوه‌های معلمی استاد مطهری» در مجله مبلغان (منبع ۲۲)؛ «شهید مطهری از نگاه آیت‌الله مهدوی» در مجله پژوهش‌نامه حقوق اسلامی (منبع ۲۳)؛ «شهید مطهری از ولادت تا شهادت» در نشریه مکاتبه و اندیشه (منبع ۲۴).

به جهت دستیابی به جوانب مختلف شخصیتی محمدحسین نایینی، کتب و مقالاتی مورد مطالعه واقع شد: علامه نایینی: فقیه نظریه‌پرداز اثر جمعی از نویسندگان (منبع ۲۵)؛ دیدار با ابرار: ندای بیداری به قلم نورالدین علی‌لو (منبع ۲۶)؛ فقهای نامدار شیعه اثر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی (منبع ۲۷)؛ «نایینی از نگاه دانشوران» (منبع ۲۸)؛ «سیری در زندگانی علمی و سیاسی و اخلاقی نایینی» (منبع ۲۹)؛ اندیشه‌های سیاسی نایینی به قلم احمد بهشتی (منبع ۳۰)؛ گذری بر شخصیت علمی، اخلاقی و سیاسی میرزای نایینی اثر مهدی نایینی (منبع ۳۱)؛ «نایینی در برابر استبداد» (منبع ۳۲).^۱

۱. سه مقاله با عناوین «نایینی از نگاه دانشوران» (منبع ۲۸)، «سیری در زندگانی علمی و سیاسی و اخلاقی نایینی» (منبع ۲۹) و «نایینی در برابر استبداد» (منبع ۳۲) در پایگاه‌های اطلاعاتی فاقد شماره صفحه‌اند.

جدول ۲: مضامین اصلی، تعاریف عملیاتی و منابع استحصال مضامین

ردیف	مضامین اصلی	تعاریف عملیاتی	منبع استحصال مضمون
۱	اجتناب از تحمیل عقیده	پرهیز از واداشتن دیگران به پذیرش رأی و باور خویش	(منبع ۳: ص ۲۲) (منبع ۱۳: ص ۳۴۳)
۲	احاطه علمی	تبحر و تسلط علمی در حوزه تخصصی خویش	(منبع ۱: ص ۶۳) (منبع ۷: ص ۱۰۷) (منبع ۱۳: ص ۲۴۸ و ۲۷۰) (منبع ۲۸: ص ۲۹)
۳	وانتهادن کار خویش به دیگران	اصرار بر انجام کارهای شخصی خویش و پرهیز از بهره‌کشی از دیگران	(منبع ۸: ص ۱۹۱) (منبع ۱۴: ص ۳۶۴)
۴	اذعان به ندانستن	اصرار بر بیان کلمه «نمی‌دانم» در برابر برخی سؤالات به جای توجیه یا ارائه پاسخ نادرست	(منبع ۳: ص ۲۲) (منبع ۶: ص ۲۱)
۵	استقلال فکری	مغلوب نشدن به مکاتب و شخصیت‌های علمی	(منبع ۴: ص ۱۰۳) (منبع ۱۳: ص ۲۴۵) (منبع ۱۷: ص ۷۹ و ۸۹) (منبع ۲۸: ص ۲۸)
۶	انحراف‌ستیزی	مقابله با انحرافات و بدعت‌ها در اجتماع	(منبع ۱۰: ص ۱۶۳) (منبع ۱۳: ص ۱۵۶) (منبع ۱۵: ص ۴۸) (منبع ۱۷: ص ۳۹۳) (منبع ۳۱: ص ۳۴)
۷	انسان‌دوستی	دور نبودن از درد و رنج مردم و تلاش در جهت رفع حوائج ایشان	(منبع ۸: ص ۷۴) (منبع ۱۷: ص ۱۰۱) (منبع ۲۵: ص ۵۹)
۸	بردباری	صبر و تحمل در برابر حوادث سخت و تلخ	(منبع ۱۰: ص ۲۳۵)
۹	بهره‌گیری از مثال	همراه ساختن درس با مثال‌های عینی و ملموس	(منبع ۲۲: ص ۵۴)
۱۰	بهره‌گیری از طرح درس	داشتن طرح درس مشخص و تدریس در چارچوب آن	(منبع ۱۳: ص ۲۱۰)
۱۱	بهره‌گیری از مشارکت علمی شاگردان	قرار دادن شاگردان در جایگاه همکار علمی و بهره‌گیری از مشارکت ایشان در فعالیت‌های پژوهشی	(منبع ۶: ص ۳۱-۳۲)
۱۲	بی‌اعتنایی به تعداد متعلمان	برقراری کلاس و آموزش حتی برای یک نفر	(منبع ۸: ص ۲۵۶) (منبع ۱۳: ص ۲۱۰) (منبع ۲۲: ص ۵۹)
۱۳	بیان مستدل مباحث	همراه کردن مباحث با دلیل و برهان منطقی	(منبع ۳: ص ۲۱) (منبع ۲۵: ص ۵۸)
۱۴	بینش و فعالیت سیاسی	بی‌اعتنا نبودن به جریان‌ها، تحولات و اوضاع سیاسی جامعه	(منبع ۶: ص ۸۰-۸۱) (منبع ۱۰: ص ۲۲۲) (منبع ۱۶: ص ۸۰۱ و ۸۰۵) (منبع ۲۳: ص ۲۴) (منبع ۳۰: ص ۳۹۳) (منبع ۳۱: ص ۳۹۳)
۱۵	پافشاری بر ایفای وظایف	پیگیری و اصرار بر ایفای وظایف اجتماعی با وجود تنگناها، تهدیدات و مشکلات	(منبع ۱۷: ص ۳۴)
۱۶	پرهیز از بدگویی و بدخواهی	پرهیز از پرداختن به عیوب دیگران و طلب بدی برای ایشان	(منبع ۱۰: ص ۲۳۵) (منبع ۲۵: ص ۶۵)
۱۷	پرهیز از کبر و غرور	رفتار توأم با فروتنی و تواضع	(منبع ۳: ص ۷۹) (منبع ۵: ص ۶۰) (منبع ۶: ص ۲۱) (منبع ۷: ص ۸۲) (منبع ۱۳: ص ۲۴۶) (منبع ۱۷: ص ۲۶۶) (منبع ۲۵: ص ۵۹)

ردیف	مضامین اصلی	تعریف عملیاتی	منبع استحصال مضمون
۱۸	تأسیس نهادهای عام‌المنفعه	راه‌اندازی نهادهای اجتماعی و خدماتی برای خدمت به مردم	(منبع ۲: ص ۶۶-۶۷) (منبع ۱۶: ص ۸۰۳)
۱۹	تدریس یا تمام ظرفیت	استفاده از تمام انرژی در آموزش	(منبع ۲۲: ص ۵۴)
۲۰	تشویق به پویایی	زمینه‌سازی برای فعالیت و تحرک علمی متعلمان	(منبع ۲۳: ص ۷)
۲۱	تعلیم بدون وقفه	تقید به برقراری کلاس و پرهیز از تعطیلی بی‌مورد	(منبع ۲۷: ص ۴۳)
۲۲	التفات به نیازهای جامعه	محور کار خویش را نیاز جامعه قرار دادن	(منبع ۵: ص ۶۵ و ۷۹) (منبع ۶: ص ۴۵-۴۶) (منبع ۱۰: ص ۱۶۳) (منبع ۱۳: ص ۱۵۶) (منبع ۱۹: ص ۸۱ و ۸۴) (منبع ۳۲)
۲۳	بزرگداشت و اعزاز استادان	احترام به معلمان و استادان	(منبع ۷: ص ۲۴) (منبع ۱۳: ص ۲۵۵ و ۲۶۹) (منبع ۲۶: ص ۵۱)
۲۴	تکریم شاگردان	احترام همه‌جانبه به شاگرد در داخل و خارج از کلاس	(منبع ۸: ص ۲۶۱) (منبع ۲۱: ص ۳۲) (منبع ۲۵: ص ۷۹-۸۰)
۲۵	تمنای علم از پروردگار	علم را عطیه الهی دانستن و استدعای علم و فهم از خداوند	(منبع ۲۳: ص ۸) (منبع ۲۵: ص ۹۸)
۲۶	ثبات قدم	پشتکار و استقامت در پیشبرد امور	(منبع ۵: ص ۷۳ و ۹۰) (منبع ۱۱: ص ۳۵۲) (منبع ۱۷: ص ۸۷) (منبع ۱۹: ص ۶۵) (منبع ۲۸)
۲۷	حذر از تظاهر و ریاکاری	ظاهرسازی و عوام‌فریبی نکردن	(منبع ۱۳: ص ۲۴۶)
۲۸	حقیقت‌طلبی	بی‌توجهی به جریان‌ات رایج و حاکم و تلاش برای دستیابی به حق و حقیقت	(منبع ۴: ص ۲۲۱) (منبع ۱۷: ص ۷۹)
۲۹	خوش‌رفتاری	بامحبت و خوش‌رفتار بودن	(منبع ۵: ص ۹۵) (منبع ۷: ص ۸۰) (منبع ۲۲: ص ۵۵ و ۵۷) (منبع ۲۵: ص ۹۶) (منبع ۲۸)
۳۰	داستان‌سرایی	نقل داستان برای تحکیم مباحث و تطیف فضای کلاس	(منبع ۳: ص ۱۱۱) (منبع ۱۴: ص ۳۱۹) (منبع ۲۲: ص ۵۴)
۳۱	دلدادگی به آموزگاری	نمایش شوق و اشتیاق خویش به معلمی	(منبع ۵: ص ۹۴) (منبع ۸: ص ۲۶۹) (منبع ۱۶: ص ۸۰۵) (منبع ۲۲: ص ۵۳) (منبع ۲۵: ص ۵۳)
۳۲	دوباره‌گویی	تکرار دوبارهٔ درس و مباحثی که شاگردان در آن دچار اشکال‌اند	(منبع ۳۱: ص ۳۸۶)
۳۳	دوراندیشی	برخورداری از اندیشه‌های بلند برای آینده	(منبع ۱۷: ص ۱۰۱)
۳۴	رازپوشی	حفظ اسرار دیگران و پرهیز از افشاگری	(منبع ۱۷: ص ۱۰۱)
۳۵	رعایت مرز علوم	در هم نیامیختن علوم با وجود تسلط بر حوزه‌های مختلف علم	(منبع ۸: ص ۶۹) (منبع ۱۳: ص ۲۶۸) (منبع ۲۲: ص ۵۱)
۳۶	روشن‌سازی موضوع درس	اصرار بر جا انداختن موضوع و بحث دربارهٔ زوایای آن	(منبع ۳: ص ۲۱)
۳۷	زهد و قناعت	بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به دنیا	(منبع ۸: ص ۱۷۹) (منبع ۱۰: ص ۲۳۷) (منبع ۱۷: ص ۷۴) (منبع ۲۵: ص ۶۶)

ردیف	مضامین اصلی	تعریف عملیاتی	منبع استحصال مضمون
۳۸	سادگی و آراستگی	پوشش ساده، مرتب و بدون آرایش	(منبع ۲۵: ص ۷۸) (منبع ۲۸)
۳۹	ساده‌گویی	ارائه مطالب پیچیده به شکل ساده از طریق تجزیه مطالب به اجزای قابل فهم	(منبع ۳: ص ۲۳) (منبع ۴: ص ۲۲۱) (منبع ۱۳: ص ۲۴۹ و ۲۶۸) (منبع ۲۸)
۴۰	سخت‌اوت	گشاده‌دستی و بذل و بخشش به مردمان	(منبع ۸: ص ۷۴) (منبع ۱۷: ص ۱۰۱)
۴۱	شرح صدر	قدرت تحمل و مدارا در برخورد با دیگران	(منبع ۶: ص ۲۵-۲۶) (منبع ۱۰: ص ۲۴۰) (منبع ۱۷: ص ۱۰۱) (منبع ۲۵: ص ۶۵)
۴۲	شعرخوانی	استفاده بجا از اشعار نغز برای تبیین منظور خود در جریان آموزش	(منبع ۸: ص ۲۵۷) (منبع ۲۲: ص ۵۴) (منبع ۲۵: ص ۵۸)
۴۳	شغل ندانستن معلمی	مهم نبودن مقدار درآمد مادی و مالی	(منبع ۳: ص ۷۶) (منبع ۱۶: ص ۸۰۵) (منبع ۲۱: ص ۳۲) (منبع ۲۵: ص ۵۶)
۴۴	شکیبایی در گوش دادن	اجازه دادن به شاگرد برای بیان کامل سخنان و پرهیز از قطع کردن کلام او	(منبع ۳: ص ۱۲۷) (منبع ۲۱: ص ۳۲) (منبع ۲۵: ص ۹۶)
۴۵	شوخ‌طبعی	بذله‌گویی و مزاح با رعایت شرایط ادب	(منبع ۱: ص ۶۸) (منبع ۵: ص ۹۵)
۴۶	شوق فراگیری	رغبت فراوان به یادگیری و دانش‌اندوزی	(منبع ۲: ص ۴۷) (منبع ۱۷: ص ۱۵۵) (منبع ۱۸: ص ۴۰) (منبع ۱۹: ص ۴۸) (منبع ۲۷: ص ۴۳)
۴۷	شیواگویی	بیان روان، شیوا و فصیح مطالب	(منبع ۴: ص ۲۲۱) (منبع ۱۴: ص ۳۱۹) (منبع ۲۸)
۴۸	طلب تقریر مباحث درسی	اصرار بر یادداشت‌برداری از مباحث مطرح‌شده در کلاس	(منبع ۲۸)
۴۹	عرضه نظام‌مند مباحث	ارائه منظم مباحث با مقدمه‌چینی مناسب، پرداختن به محتوای اصلی و نتیجه‌گیری	(منبع ۱۳: ص ۲۶۸) (منبع ۱۴: ص ۳۱۹) (منبع ۲۳: ص ۸) (منبع ۲۵: ص ۴۴۵) (منبع ۳۱: ص ۳۷۸)
۵۰	عظوفت با پرسشگران	پاسخگویی با مهربانی و رأفت به پرسشگران	(منبع ۷: ص ۱۶) (منبع ۱۰: ص ۲۳۵) (منبع ۱۴: ص ۳۲۰) (منبع ۲۵: ص ۸۱)
۵۱	قابلیت‌شناسی و استعدادیابی	کشف استعدادهای برتر و خاص شاگردان و توجه ویژه به آنها	(منبع ۲: ص ۶۶-۶۷) (منبع ۶: ص ۳۲۰) (منبع ۳۱-۳۲) (منبع ۱۴: ص ۵۷) (منبع ۲۲: ص ۵۷)
۵۲	قاطعیت	اقدام و عمل بدون تردید و تزلزل	(منبع ۲: ص ۹۸) (منبع ۱۷: ص ۳۴)
۵۳	شهامت پذیرش اشکال	مقاومت نکردن در برابر اشکالات علمی بجا و درست متعلمان	(منبع ۸: ص ۲۶۱) (منبع ۱۳: ص ۳۴۳) (منبع ۲۵: ص ۷۱)
۵۴	گشاده‌دستی علمی	انتقال بی‌شائبه دانسته‌ها و تجارب خویش به شاگردان	(منبع ۲: ص ۱۲۳) (منبع ۶: ص ۱۱۸) (منبع ۲۲: ص ۵۸)
۵۵	گشودگی اندیشه	مواجهه منطقی با اندیشه‌های دیگران، انعطاف‌پذیری فکری و پرهیز از جزم‌گرایی	(منبع ۱۰: ص ۱۶۷) (منبع ۱۹: ص ۱۰۸)
۵۶	محل مشاورت	مشاور و امین شاگردان و مردم بودن	(منبع ۶: ص ۵۹) (منبع ۱۳: ص ۲۵۸) (منبع ۱۳: ص ۲۴۶ و ۲۵۷) (منبع ۲۵: ص ۹۸)
۵۷	مخاطب‌شناسی	آگاهی به توان و ویژگی‌های شاگردان و در نظر	(منبع ۳: ص ۲۲) (منبع ۸: ص ۲۵۰ و

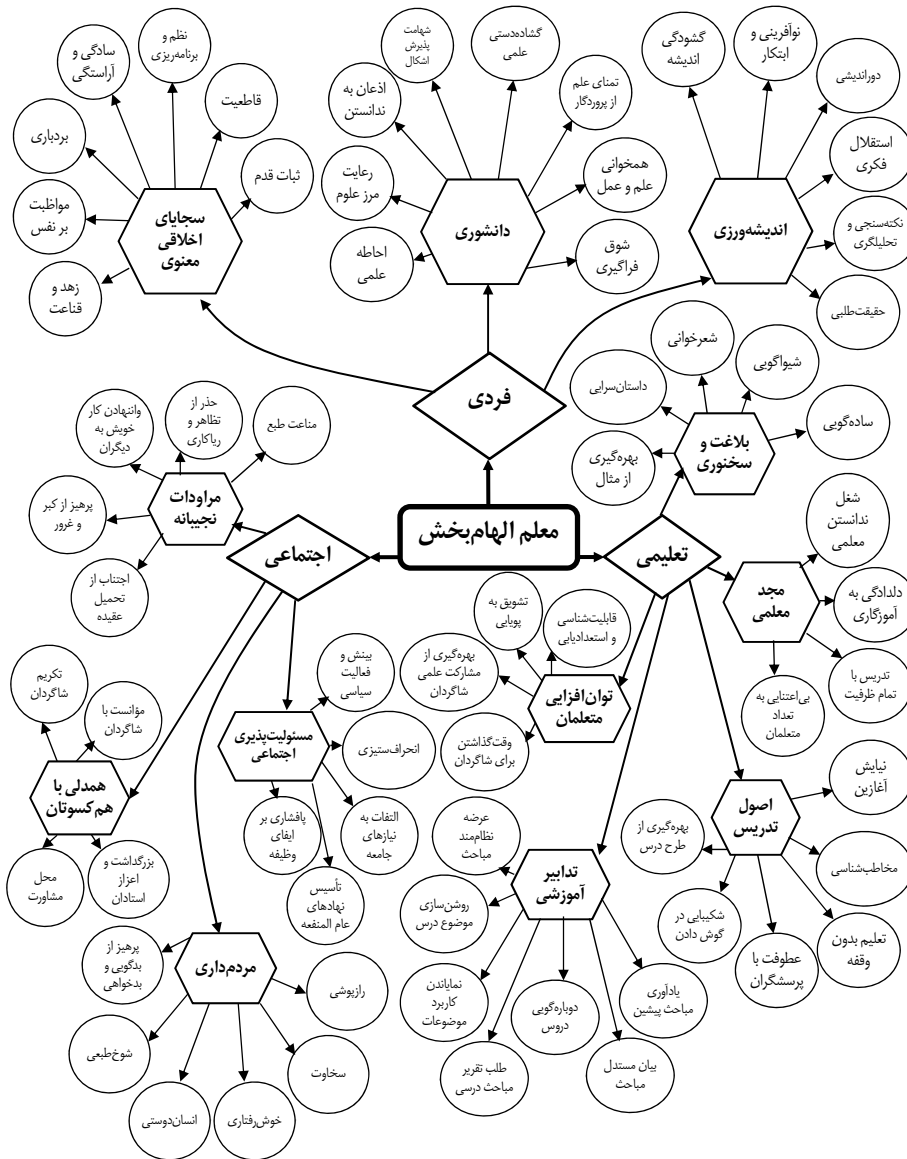
ردیف	مضامین اصلی	تعریف عملیاتی	منبع استحصال مضمون
		داشتن آن در تدریس	(۲۵۷) منبع ۱۱: ص ۳۵۳ (منبع ۱۴: ص ۳۱۹) (منبع ۱۷: ص ۱۵۷)
۵۸	مواظبت بر نفس	محافظت و مراقبت از نفس	(منبع ۳: ص ۷۰ و ۱۱۸) (منبع ۲۵: ص ۶۴) (منبع ۲۵: ص ۵۵)
۵۹	مناعت طبع	نفس خویش را ارجمند داشتن و احتراز از ابراز نیاز به دیگران	(منبع ۶: ص ۴۷) (منبع ۸: ص ۱۷۹ و ۱۸۰) (منبع ۱۷: ص ۷۴)
۶۰	مؤانست با شاگردان	دوستی و صمیمیت منطقی و معقول با شاگردان	(منبع ۳: ص ۲۳) (منبع ۷: ص ۱۵) (منبع ۸: ص ۲۶۰) (منبع ۱۶: ص ۸۰۲) (منبع ۲۱: ص ۳۲) (منبع ۲۲: ص ۵۵)
۶۱	نظم و برنامه‌ریزی	برخورداری از طرح و نظم در کارها و عمل براساس برنامه مشخص	(منبع ۸: ص ۱۹۳) (منبع ۱۲: ص ۱۵) (منبع ۱۳: ص ۱۵۴) (منبع ۱۷: ص ۷۶) (منبع ۲۸)
۶۲	نکته‌سنجی و تحلیلیگری	نفوذ به عمق مباحث و سنجش و موشکافی آن	(منبع ۱۴: ص ۳۲۲)
۶۳	نمایاندن کاربرد موضوعات	معرفی مصادیق واقعی کاربرد مباحث	(منبع ۱۳: ص ۲۷۰)
۶۴	نوآوری و ابتکار	ارائه طرح، ایده و نظر نو در زمینه‌های علمی	(منبع ۱۰: ص ۱۸۷) (منبع ۱۷: ص ۲۲۱) (منبع ۲۰: ص ۳۲۰) (منبع ۲۸)
۶۵	نیایش آغازین	توجه به قرأت قرآن یا دعا پیش از درس	(منبع ۲۵: ص ۹۸)
۶۶	وقت گذاشتن برای شاگردان	اختصاص اوقات خارج از کلاس به شاگردان	(منبع ۷: ص ۱۶) (منبع ۲۱: ص ۳۲) (منبع ۲۵: ص ۸۱ و ۴۴۵)
۶۷	همخوانی علم و عمل	هماهنگی دانش و آموخته با کردار و رفتار	(منبع ۳: ص ۱۱۲) (منبع ۸: ص ۶۸)
۶۸	یادآوری مباحث پیشین	ذکر مباحث درس قبلی و ارتباط آنها با مبحث فعلی	(منبع ۲۲: ص ۵۲)

پس از بازشناسی مضامین اصلی، زمان تنظیم این مضامین در قالب مضامین سازمان‌دهنده و درنهایت قرار دادن مضامین سازمان‌دهنده ذیل مضامین فراگیر فرامی‌رسد. در ادامه و بر پایه جدول زیر، ترسیم شبکه مضامین مورد نظر خواهد بود.

جدول ۳: مضامین و فراوانی‌ها

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین اصلی	فراوانی
سلوک فردی	منش اندیشه‌ورزی	استقلال فکری	۳
		حقیقت‌طلبی	۲
		دوران‌دیشی	۱
		نوآفرینی و ابتکار	۳
		نکته‌سنجی و تحلیلگری	۱
		گشودگی اندیشه	۲
	منش دانشوری	احاطه علمی	۳
		شوق فراگیری	۳
		همخوانی علم و عمل	۱
		شهامت پذیرش اشکال	۳
		اذعان به ندانستن	۱
		رعایت مرز علوم	۲
		تمنای علم از پروردگار	۲
		گشاده‌دستی علمی	۲
	سجایای اخلاقی - معنوی	قاطعیت	۲
		بردباری	۱
		ثبات‌قدم	۳
		نظم و برنامه‌ریزی	۳
		سادگی و آراستگی	۱
		مواظبت بر نفس	۲
		زهد و قناعت	۳
سلوک اجتماعی	مراودات نجیبانه	مناعت طبع	۲
		حذر از تظاهر و ریاکاری	۱
		پرهیز از کبر و غرور	۳
		اجتناب از تحمیل عقیده	۲
	مردم‌داری	وانتھادن کار خویش به دیگران	۲
		شرح صدر	۳
		خوش‌رفتاری	۳
		انسان‌دوستی	۳
		رازپوشی	۱
		پرهیز از بدگویی و بدخواهی	۲
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	شوخ‌طبعی	۱	
	سخاوت	۲	
	بینش و فعالیت سیاسی	۳	
	تأسیس نهادهای عام‌المنفعه	۲	
	التفات به نیازهای جامعه	۳	
	پافشاری بر ایفای وظایف	۱	
انحراف‌ستیزی	۳		

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین اصلی	فراوانی	
سلوک‌تعلیمی	همدلی با هم‌کسوتان	بزرگداشت و اعزاز استادان	۳	
		تکریم شاگردان	۳	
		موانست با شاگردان	۲	
		محل مشاورت	۳	
	بلاغت و سخنوری		ساده‌گویی	۳
			شبوگویی	۳
			شعرخوانی	۳
			بهره‌گیری از مثال	۱
			داستان‌سرایی	۲
	توان‌افزایی متعلمان		قابلیت‌شناسی و استعدادیابی	۲
			تشویق به پویایی	۱
			بهره‌گیری از مشارکت علمی شاگردان	۱
			وقت گذاشتن برای شاگردان	۳
	مجدد معلمی		دلدادگی به آموزگاری	۳
			شغل ندانستن معلمی	۳
			تدریس با تمام ظرفیت	۱
			بی‌اعتنایی به تعداد متعلمان	۲
	اصول تدریس		نیایش آغازین	۱
			مخاطب‌شناسی	۲
			تعلیم بدون وقفه	۱
			بهره‌گیری از طرح درس	۱
			عطوفت با پرسشگران	۳
			شکیبایی در گوش دادن	۳
	تدابیر آموزشی		عرضه نظام‌مند مباحث	۲
			بیان مستدل مباحث	۲
			روشن‌سازی موضوع درس	۱
			طلب‌تقریر مباحث درسی	۱
			دوباره‌گویی دروس	۱
			یادآوری مباحث پیشین	۱
			نمایاندن کاربرد موضوعات	۱



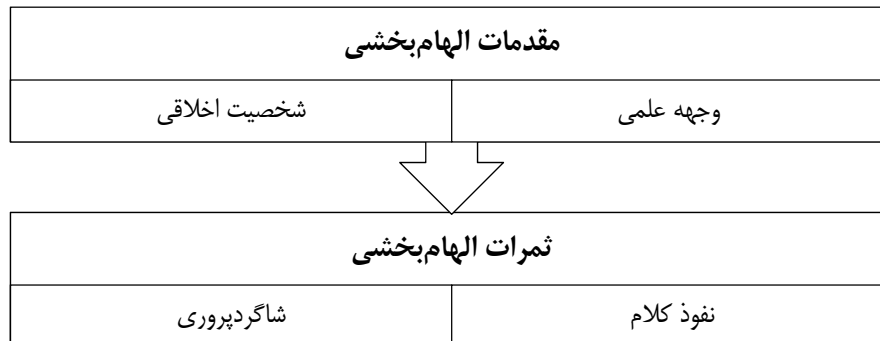
شبکه مضامین معلم الهام بخش

بحث و نتیجه‌گیری

معلمان الهام‌بخش کسانی هستند که علاوه بر اقدامات عادی برای نیل به اهداف آموزشی، توان خلق نقش‌هایی ارزشمند و ماندگار بر وجود متعلمان خویش را یافته و بدین واسطه در زندگی شاگردان خویش به عنوان یادگارهایی فراموش‌نشدنی باقی مانده‌اند ایشان با تربیت و بر جای گذاشتن وارثان و شاگردانی بافضیلت و عالم، به وظایف حرفه‌ای خویش در نیکوترین حالت عمل کرده‌اند. پس از کاوش در احوالات سه معلم برجسته حوزه‌ی ایران معاصر به منظور بازشناسی مؤلفه‌های الهام‌بخشی، شاید بتوان ادعا کرد بارزترین معیار معلمان الهام‌بخش همانا «نقش‌های ماندگار تربیتی» ای است که بر روح و جان شاگردان حک می‌کنند و همچون «الگوی در ذهن شاگردان» زنده می‌مانند. اما پس از نیل به این نتایج در پژوهش حاضر، چند پرسش اساسی به ذهن متبادر می‌شود:

- چنانچه معلمی قصد کند در مسیر الهام‌بخشی قرار گیرد، از کجا باید شروع کند؟
- آیا توقع آن است که همه معلمان الهام‌بخش باشند؟ به عبارت دیگر آیا همه معلمان باید به منتها درجه الهام‌بخشی نایل شوند؟

برای نیل به پاسخی منطقی برای این پرسش‌ها، می‌توان به برخی یافته‌های پژوهش حاضر رجوع کرد. چنان‌که ذکر شد، در این تحقیق، چهار مؤلفه مبنایی و اولیه یعنی «وجهه علمی، شخصیت اخلاقی، نفوذ کلام و شاگرد‌پروری» به‌صورت پیش‌فرض برای حرکت در مسیر الهام‌بخشی در نظر گرفته شده‌اند. اما به نظر می‌رسد دو مؤلفه «وجهه علمی و شخصیت اخلاقی» برای معلمی که قصد دارد آگاهانه و عامدانه در جاده الهام‌بخشی گام بگذارد، نقش «پیش‌نیاز» را دارند. معلمی که از این دو مؤلفه یا حتی یکی از آنها برخوردار نباشد، هرگز به درجات لازم از «مقبولیت» و «محبوبیت» نزد شاگردان دست نخواهد یافت. در چنین وضعیتی، کلام معلم در روح و جان متعلم نافذ نبوده و معلم از صلاحیت لازم برای تکیه زدن بر جایگاه رفیع شاگرد‌پروری برخوردار نخواهد بود. پس می‌توان گفت تسلط علمی معلم به‌تدریج به مقبولیت وی و آراستگی وی به فضایل اخلاقی و محبوبیت او نزد شاگردان می‌انجامد و پس از مدتی، معلم از موهبت «نفوذ کلام» برخوردار می‌شود. در این مرحله، عواملی چون مقبولیت و محبوبیت و همچنین نفوذ کلام معلم، توأمان باعث ایجاد نوعی رابطه عمیق و پایدار بین معلم و شاگرد شده، فرایند «شاگرد‌پروری» در مورد شماری از شاگردان که از بن‌مایه‌های لازم برخوردارند، حادث می‌شود. ارتباط مؤلفه‌های اصلی الهام‌بخشی را می‌توان در قالب الگوی زیر نمایش داد:



نکته دیگر آنکه این چهار مؤلفه مبنایی که به صورت پیش فرض برای حرکت در مسیر الهام بخشی در نظر گرفته شده اند، عناوینی نسبتاً کلی هستند که برای درک بهتر، لازم بود در قالب مفاهیم و عناوین جزئی تر و ملموس تر بیان شوند. بازشناسی ۶۸ مضمون اصلی و تنظیم این مضامین در قالب دوازده مضمون سازمان دهنده «منش اندیشه ورزی، منش دانشوری، سجایای اخلاقی-معنوی، مراودات نجیبانه، مردم داری، مسئولیت پذیری اجتماعی، همدلی با هم کسوتان، بلاغت و سخنوری، توان افزایی متعلمان، مجد معلمی، اصول تدریس، تدابیر آموزشی» را می توان اقدامی در همین جهت دانست.

به نظر می رسد الهام بخشی در حکم آرمانی است که هر معلم بنا به برداشت و تصویری که از فلسفه معلمی دارد و همچنین براساس انگیزه ها و توانمندی های خود، می تواند به درجاتی از آن نایل آید. همه معلمان باید بدانند از حیث حرفه ای، وظایفی فراتر از انتقال معلومات به شاگردان دارند و اگر به تعلیم بسنده کنند، خود را به مدرسی عادی تبدیل کرده که شأنی بالاتر از واسطه انتقال معلومات ندارد؛ به عبارت دیگر از منظر اخلاق حرفه ای معلمی، آموزش و پرورش، باید توأمان در دستور کار معلم قرار گیرد و هر معلمی که قصد دارد در امر خطیر پرورش و تربیت شاگردان گام بردارد، باید شخصاً متخلق و آراسته به برخی صفات اخلاقی فردی، اجتماعی و حرفه ای باشند؛ بنابراین معلم هنگامی می توانند به تحقق تربیت متعالی و اصیل شاگردان خود امیدوار باشد که در منش و سیره تربیتی خود، «الهام بخش» باشند، نه صرفاً بیانگر و مدعی لسانی اهداف و آرمان های تربیت. با این اوصاف، در پژوهش حاضر، با محور قرار دادن شخصیت معلمانی که آراسته به علم و اخلاق و صاحب نفاذ کلام بوده و در عرصه شاگردپروری به توفیقاتی نایل شده اند، هدف این بود که شمایی کلی از معلم موفق ایرانی-اسلامی ارائه شود تا ضمن نمایش گوشه ای از اخلاق حرفه ای معلمی، «الگویی بومی» برای معلمان جوان این مرزوبوم ترسیم شود.

در پایان بحث، یادآوری دو نکته ضروری به نظر می‌رسد: اول آنکه در نظر گرفتن سه معلم الهام‌بخش در این تحقیق، بدان معنی نیست که در بین مدرسان حوزه‌های علمیه ایران معاصر، معلمان الهام‌بخش دیگری وجود نداشته است. آنچه مسلم است، به سبب محدودیت در منابع و شرح حال‌های مکتوب، ضرورت مطالعه عمیق و پرهیز از سطحی‌نگری، محققان بر آن شدند بر احوالات شمار محدودی از معلمان تمرکز کنند و نهایتاً این سه نفر انتخاب شدند. بدیهی است مجال برای پژوهش‌های بعدی در مورد دیگر معلمان حوزوی و دانشگاهی و سطوح دیگر آموزشی وجود دارد. نکته دیگر آنکه معرفی افرادی به مثابه معلمان الهام‌بخش نباید این شائبه را ایجاد کند که این افراد در منش معلمی، «کامل» بوده و هیچ‌گونه عیب و کاستی در کار آنها وجود نداشته است، بلکه باید اذعان کرد که وجوه مثبت معلمی این افراد با توجه و تیزبینی بیشتری مورد التفات پژوهشگران قرار گرفته است.

منابع

۱. آقائوری، علی (۱۳۸۷)، عارفان مسلمان و شریعت اسلام، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲. ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۴)، فلسفه تربیت، تهران: دانشگاه پیام نور.
۳. اردشیری لاجیمی، حسن (۱۳۸۸)، سیره علمی و عملی علامه سید محمدحسین طباطبایی، قم: دفتر عقل.
۴. اندرسون، لورین (۱۳۸۶)، افزایش کارایی معلم، ترجمه علی رئوف، تهران: آبیژ.
۵. باقی نصرآبادی، علی و حمید نگارش (۱۳۷۹)، رمز موفقیت استاد مطهری، قم: خرم.
۶. بهشتی، احمد (۱۳۸۲)، اندیشه‌های سیاسی نائینی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. تاجدینی، علی (۱۳۷۴)، یادها و یادگارهای علامه طباطبایی، تهران: پیام نور.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۶۱)، یادنامه مفسر کبیر علامه طباطبایی، قم: شفق.
۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۲)، گلشن ابرار، ج ۲، قم: معروف.
۱۰. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، علامه نائینی: فقیه نظریه پرداز، قم: بوستان کتاب.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، شمس‌الوحي تبریزی، قم: اسراء.
۱۲. حائری‌زاده، خیریه‌بیگم و محمدحسین، لیلی (۱۳۸۶)، ویژگی‌های معلم مؤثر، تهران: قطره.
۱۳. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۱)، هزار و یک کلمه، ج ۱، قم: بوستان کتاب.
۱۴. حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۲۶)، مهر تابان، مشهد: نور ملکوت قرآن.
۱۵. خردمند، محمد (۱۳۸۰)، شهید مطهری مرزبان بیدار، تهران: امیرکبیر.
۱۶. دفتر تبلیغات اسلامی (۱۳۸۱)، مرزبان وحی و خرد: یادنامه علامه سید محمدحسین طباطبایی، قم: بوستان کتاب.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. رمضان، طاهره و اسحاق درتاج رابری (۱۳۸۸)، «بررسی ویژگی‌های یک مدرس اثربخش و عوامل آموزشی مؤثر بر کارآمدی وی از دیدگاه مدرسین و دانشجویان دانشکده‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کرمان: گام‌های توسعه در آموزش پزشکی»، ش ۲، ص ۱۳۹-۱۴۸.

۱۹. سبحانی نژاد، مهدی و رحیمه رسولی (۱۳۸۸)، «تیین جایگاه و ضرورت شاگردپروری و مؤلفه‌های آن به منظور اثربخش‌سازی نظام آموزش و پژوهش دانشگاهی»، مطالعات معرفتی در دانشگاه، ش ۴۴، ص ۸۰-۱۱۲.
۲۰. سیدناصری، حمیدرضا و امیررضا ستوده (۱۳۷۷)، پاره‌ای از خورشید (گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی استاد مطهری)، تهران: ذکر.
۲۱. شمس، مرادعلی (۱۳۸۷)، سیری در سیره علمی و عملی علامه طباطبایی از نگاه فرزندان، قم: اسوه.
۲۲. شهید مطهری از نگاه آیت‌الله مهدوی (۱۳۸۱)، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۶ و ۷، ص ۶-۱۳.
۲۳. شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، «الگوی رهبری خدمتگزار مبتنی بر دیدگاه امام خمینی (علیه‌السلام)»، اسلام و مدیریت، ش ۱، ص ۷-۳۶.
۲۴. طباطبایی، عبدالباقی (۱۳۷۰)، «زندگی‌نامه علامه طباطبایی»، مجله مطالعات مدیریت، ش ۱، ص ۱۵-۱۵.
۲۵. عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین»، اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۱۰، ص ۱۵۱-۱۹۸.
۲۶. عبداللهی، بیژن؛ عطیه دادجوی توکلی و غلامعلی یوسلیانی (۱۳۹۳)، «شناسایی و اعتبارسنجی شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان اثربخش»، نوآوری‌های آموزشی، ش ۴۹، ص ۲۵-۴۸.
۲۷. عقیقی بخشایشی، عبدالکریم (۱۳۷۶)، فقهای نامدار شیعه، قم: نوید اسلام.
۲۸. علی‌لو، نورالدین (۱۳۷۴)، دیدار با ابرار: ندای بیداری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۹. لقمانی، احمد (۱۳۸۰)، علامه طباطبایی: میزان معرفت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۰. مختاری، رضا (۱۳۷۱)، سیمای فرزندان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۱. مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۲)، عالم جاودان: شهید مرتضی مطهری، تهران: وزارت اطلاعات.
۳۲. مجله حوزه (۱۳۷۵ الف)، «سیری در زندگانی علمی و سیاسی و اخلاقی نایینی»، ش ۷۶ و ۷۷.
۳۳. مجله حوزه (۱۳۷۵ ب)، «نایینی از نگاه دانشوران»، ش ۷۶ و ۷۷.
۳۴. مجله حوزه (۱۳۷۵ ج)، «نایینی در برابر استبداد»، ش ۷۶ و ۷۷.

۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، آفتاب مطهر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۳۶. _____ (۱۳۸۶)، تماشای فرزاندگی و فروزندگی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۳۷. نایینی، مهدی (۱۳۸۳)، «گذری بر شخصیت علمی اخلاقی و سیاسی میرزای نایینی»، آموزه، ش ۵، ص ۳۷۵-۳۹۴.
۳۸. واثقی راد، محمدحسین (۱۳۶۴)، مطهری: مطهر اندیشه‌ها، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۹. وثوقی، حسین و محمدرضا قمری (۱۳۸۳)، «ویژگی‌های معلمان اثربخش»، رشد آموزش زبان، ش ۷۲، ص ۴۴-۵۱.
40. Arikan, A. & Caner, M. (2013), In the Eyes of Turkish EFL Learners: What Makes an Effective Foreign Language Teacher? *Porta Linguarum*. 20. 287-297.
41. Danielson, C. (1996), *Enhancing professional practice: A framework for teaching*. Alexandria, VA: Association for Supervision and Curriculum Development.
42. L. Kyriakides, R. J. Campbell & E. Christofidou. (2002), Generating Criteria for Measuring Teacher Effectiveness Through a Self-Evaluation Approach: A Complementary Way of Measuring Teacher Effectiveness, School Effectiveness and School Improvement: An International Journal of Research, Policy and Practice. 13 (3). 291 - 325.
43. Minghui Gao & Qinghua Liu (2013), "Personality Traits of Effective Teachers Represented in the Narratives of American and Chinese Preservice Teachers: A Cross Cultural Comparison International", *Journal of Humanities and Social Science*, 3 (2). 84-95.
44. Peart, Norman A. & Campbell, Frances A. (1999), "At-Risk Students' Perceptions of Teacher Effectiveness", *Journal for a Just and Caring Education*, v5 n3 p269-284.
- ۱۳۹۶ باز یابی در مرداد : <http://www.farsnews.com/13960420001342>